پایان رژیم صهیونیستی در نظم جدید منطقه

تنش میان ایران و اسرائیل موجب بیان سناریوهای مختلف برای آینده منطقه شده که مهم‌ترین آنها اذعان به خداحافظی با رژیم جعلی صهیونی در نظم جدید منطقه است

مهدی سیف‌تبریزی
پژوهشگر

در شرایط کنونی منطقه و نظام بین‌الملل، هیچ‌یک از طرفین غیر از اسرائیل خواهان ورود به یک جنگ فراگیر در منطقه نیست. به‌طور حتم، جنگ در منطقه می‌تواند بسیاری از مناسبات نظام بین‌الملل را تغییر دهد. کشورهای غربی بیشترین ضربه را از جنگ در غرب آسیا دریافت خواهند کرد و براساس نظم جدید امنیتی که در خاورمیانه شکل خواهد گرفت، دیگر جایی برای حضور نیروهای آمریکا و رژیم اسرائیل وجود نخواهد داشت. یک سال از شروع عملیات ۷ اکتبر (۱۵ مهر ۱۴۰۲) مبارزان حماس علیه نیروهای اشغالگر اسرائیلی می‌گذرد. در این مدت خاورمیانه و جهان شاهد مرگ هزاران انسان شامل زنان و کودکان بی‌گناه بر اثر عملیات نظامی وحشی‌ترین ارتش جهان بوده است. دولتی که تمام قوانین و چهارچوب‌های نظام بین‌الملل را نادیده گرفته و مانند ارتش نازی هیتلر دست به پاکسازی قومی و کشتار جمعی در باریکه غزه زده است. در این میان جمهوری اسلامی به دو دلیل عمده، یکی دفاع و حمایت از مردم مظلوم غزه و لبنان و دیگری حمایت از شبکه محور مقاومت و معماری جدید ساختار امنیتی منطقه مطابق بر اهداف منافع ملی خود و جلوگیری از تغییر ترتیبات امنیتی به نفع ایالات‌متحده، مجبور به ورود به تنش‌های دست‌ساز اسرائیل شد. اگرچه پیشینه رویارویی ایران و اسرائیل به حدود ۴۰ سال پیش و پس از وقوع انقلاب اسلامی باز می‌گردد، اما در یک سال گذشته و پس از عملیات ۷ اکتبر مدل مواجهه و نوع تنش میان ایران و رژیم اسرائیل متفاوت‌تر از گذشته رقم خورده است، به‌شکلی که پس از حمله اسرائیل به کنسولگری ایران در دمشق در تاریخ اول آوریل ۲۰۲۴ (۱۳ فروردین ۱۴۰۳) طرفین به سطح جدیدی از تنش در خاورمیانه وارد شدند. در واقع عملیات وعده صادق۱ که پس از عملیات ترور توسط رژیم صهیونیستی در دمشق، به وقوع پیوست، پاسخی به اسرائیل و حامیان غربی آن برای احیا و تقویت بازدارندگی ایران بود.

تنش میان ایران و اسرائیل و سناریوهای پیش‌رو

ایران در پاسخ به این اقدام رژیم و به منظور دفاع از امنیت سرزمین خود و همچنین جلوگیری از تجاوزات بیشتر ارتش متجاوز اسرائیل در تاریخ ۱۴ آوریل ۲۰۲۴ (۲۶ فروردین ۱۴۰۳) عملیات موشکی را با شلیک ۳۰۰ فروند موشک کروز پهپاد و موشک بالستیک علیه برخی اجزاب نظامی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین انجام داد.

این نخستین رویارویی نظامی ایران و اسرائیل با هدف هشدار جدی به سران سیاسی و نظامی این رژیم مبنی‌بر توانایی و اراده ایران در ضربه زدن به دشمنان خود در هر سطحی بود تا رژیم در معادلات آینده خود از هرگونه اقدام خصمانه بر علیه منافع ایران در منطقه اجتناب کند. اما روند حوادث در خاورمیانه به‌شکلی پیش رفت که نتانیاهو به منظور جبران شکست‌های خود در دستیابی به اهداف اعلامی، احتیاج به تنشی بزرگتر و ایجاد جنگی فراگیر در منطقه داشت تا با درگیر کردن ایران از بحران‌های داخلی ناشی از عملکرد ضعیف خود رهایی یابد و از آن مهم‌تر معماری جدید امنیتی را در منطقه غرب آسیا و در راستای منافع ایالات متحده و در عملیاتی غیرانسانی با منفجرکردن وسایل ارتباطی اعضای حزب‌ا... موسوم به عملیات پیجرها، سبب زخمی و کشته شدن سه‌هزار شهروند لبنانی شد و چندروز پس از آن ترور «سیدحسن نصرا... دبیرکل جنبش سیاسی حزب‌ا... لبنان» و «عباس نیلفروشان» معاون عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در منطقه ضاحیه بیروت رقم خورد. پس از این اقدامات بود که ایران مجبور به پاسخگویی شد، زیرا به‌نظر می‌رسید توان و قدرت بازدارندگی ایران دچار اختلال شده است و از سوی دیگر ادامه سیاست ترور رهبران محور مقاومت از سوی اسرائیل این گمانه‌زنی را ایجاد کرد که هدف بعدی می‌تواند یکی از سران سیاسی و یا نظامی ایران در داخل کشور باشد و از این طریق اسرائیل جنگ را به داخل خاک ایران بکشاند. پاسخ‌ندادن به اقدامات و جنایات اسرائیل می‌توانست هزینه‌های بیشتری را برای ایران و محور مقاومت ایجاد کند. با توجه به همین موضوع رهبران و سران سیاسی و نظامی ایران تصمیم به اجرای عملیات موشکی وعده صادق ۲ گرفتند تا از این طریق دست به احیای قدرت بازدارندگی ایران زده و با تاثیرگذاری بر محاسبات سران و ایجاد فشار بر افکار عمومی رژیم از هر اقدام شیطنت‌آمیز و جنایتکارانه اسرائیل جلوگیری کنند. پس از این عملیات موشکی بود که کابینه جنگ اسرائیل اعلام کرد به حملات موشکی ایران پاسخ خواهد داد و در همین راستا قصد دارد تا نقاط حساس و استراتژیکی را در اقصی نقاط ایران مورد هدف قرار دهد. در بیانیه نتانیاهو به محتمل‌ترین اهداف عملیات نظامی تل‌آویو، یعنی مراکز هسته‌ای، پالایشگاه‌های نفتی و پایگاه‌های نظامی ایران اشاره شده بود. برخی ناظران منطقه می‌گویند: در این موضوع که پاسخ اسرائیل به عملیات موشکی ایران قطعی خواهد بود تقریبا شکی وجود ندارد، اما نکته‌ای که در این خصوص مهم به نظر می‌رسد و می‌تواند معادلات سیاسی، امنیتی و نظامی آینده غرب آسیا را تغییر دهد، مدل پاسخ تل‌آویو به تهران است.

اهداف نظامی

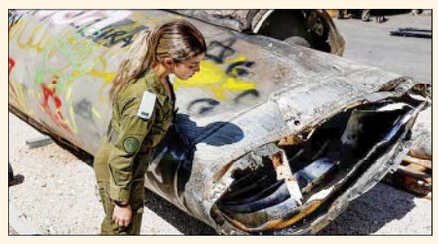

از نگاه رسانه‌های غربی، محتمل‌ترین پاسخ تل‌آویو به عملیات موشکی انجام شده از سوی ایران، می‌تواند حمله به پایگاه‌های نظامی باشد؛ مکان‌هایی که عملیات‌های موشکی و پهپادی ایران از آن پایگاه‌ها انجام شده است. این رسانه‌ها چند دلیل را برای حمله صهیونیست‌ها به مراکز نظامی بیان کرده‌اند:

در این مدل پاسخ، کم‌ترین تلفات افراد غیرنظامی را می‌توان متصور شد.

از نظر سران نظامی و سیاسی اسرائیل، حمله به مراکز نظامی حساسیت کمتری را در ایران برای ادامه روند پاسخگویی ایجاد خواهد کرد.

درنهایت تصور می‌شود در صورت پاسخ به هرگونه تجاوز به پایگاه‌های نظامی، ایران حملات مشابهی به مراکز نظامی و امنیتی اسرائیل انجام دهد.

البته در سخنان مسئولان نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی بارها تاکید شده، هرگونه پاسخ رژیم اسرائیل، پیامدهای سخت و جبران ناپذیری را برای تل‌آویو درپی خواهد داشت و الزامی وجود ندارد که ایران در پاسخ، مانند دفعات پیش به سراغ پایگاه‌های نظامی برود بلکه با استناد به سخنان و موضع‌گیری‌های سران سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی، براساس نوع حملات رژیم، مراکز استراتژیک و اقتصادی اسرائیل از محتمل‌ترین اهداف حمله ایران خواهد بود و همین امر محاسبات تصمیم‌گیران در تل‌آویو را با مشکل روبه‌رو ساخته است.

اهداف اقتصادی

در تحلیل رسانه‌های غربی، حمله به بخش‌های اقتصادی ایران به‌عنوان پاسخی محتمل به عملیات «وعده صادق ۲» از سوی صهیونیست‌ها در نظر گرفته می‌شود و این موضوع در اتاق جنگ رژیم و طرف‌های غربی نیز مورد گفت‌وگو قرار گرفته است.

اما پرسش اینجاست که اسرائیل واقعا در شرایط کنونی نظام بین‌الملل و بازارهای جهانی انرژی توانایی انجام چنین اقدامی را دارد؟

باید توجه داشته باشیم که از بیش از دو سال پیش و با شروع جنگ اوکراین، نفت و گاز یکی از تاثیرگذارترین بازیگران بازارهای انرژی جهان، یعنی روسیه با اعمال شدیدترین تحریم‌ها از سوی کشورهای غربی از سبد عرضه خارج شده است و بسیاری از کشورهای جهان به‌ویژه شرکای غربی تل‌آویو از این ماجرا ضربات جبران‌ناپذیر اقتصادی دریافت کرده‌اند. بنابراین هرگونه حمله به زیرساخت‌های نفتی ایران، پیامدهای جبران‌ناپذیری را برای اقتصاد جهانی درپی خواهد داشت. ناامن‌شدن جریان صادرات نفت از خلیج فارس یکی از مهم‌ترین پیامدهای حمله به مراکز نفتی ایران است که می‌تواند جهان را با یک شوک نفتی دیگر مواجه کند. همچنین این موضوع می‌تواند در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا اثرات منفی برای دموکرات‌ها به‌همراه داشته باشد و به‌همین‌دلیل کاخ سفید ممکن است یکی از مخالفان سرسخت اقدامات نتانیاهو در ایجاد یک بحران انرژی در بازارهای جهانی باشد. بنابراین هدف‌قراردادن زیرساخت‌های نفتی ایران می‌تواند با واکنش و پاسخ غیرقابل‌پیش‌بینی و سنگین در هدف‌قراردادن زیرساخت‌های انرژی اسرائیل همراه شود.

اهداف هسته‌ای

سال‌هاست که سران رژیم اسرائیل در صحبت‌های خود طرح حمله به مراکز تحقیقاتی و صنعتی هسته‌ای ایران را مطرح می‌کنند، اما این امر همیشه در حد یک حرف باقی مانده است. در سال‌های گذشته رژیم تلاش‌هایی را به‌منظور ضربه‌زدن به فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران ازجمله حمله به سایت نطنز و پارچین انجام داد اما این صدمات کاملا سطحی بوده و به اصل برنامه هسته‌ای ایران لطمه‌ای وارد نشده است. اما نکته‌ای که در این سال‌ها همه طرح و برنامه‌های سران اسرائیل را عقیم گذاشته این است که بیشتر کارشناسان نظامی بر این باورند بدون کمک نظامی مستقیم ایالات‌متحده، حمله اسرائیل به شبکه سایت‌های هسته‌ای ایران غیرممکن است. آمریکا بارها اعلام کرده که در هیچ طرح تهاجمی به‌منظور هدف‌قراردادن ایران شرکت نخواهد کرد. چند روز پیش جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا اعلام کرد ایالات‌متحده از حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای ایران حمایت نخواهد کرد.

سیاست ترور و سایر روش‌های امنیتی

به نظر می‌رسد اسرائیل همچنان به سیاست ترور و حذف شخصیت‌های محور مقاومت در لبنان، سوریه، عراق و ایران ادامه دهد. در یک‌سال گذشته بسیاری از سران مقاومت و مستشاران نظامی ایران در کشورهای منطقه توسط عوامل موساد یا حملات نظامی ارتش اسرائیل به شهادت رسیده‌اند. نکته در این است که انجام ترور یک عملیات امنیتی محسوب می‌شود و طرف مقابل در جواب اقدامات امنیتی قاعدتا در همان سطح پاسخ خواهد داد و احتمال بسیار کمی وجود دارد که این نوع از درگیری به جنگی گسترده و فراگیر بینجامد. اسرائیل در سال‌های گذشته بسیاری از دانشمندان هسته‌ای ایران را در داخل کشور ترور کرده است. البته عملیات وعده صادق ۲ با هدف پاسخ به ترورهای اسماعیل هنیه، سیدحسن نصرا... و عباس نیلفروشان، یکی از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی انجام شد و این موضوع نشان می‌دهد ادامه سیاست ترور از سوی رژیم، اینک با واکنشی متفاوت و غیرهم‌سطح از سوی ایران پاسخ داده خواهد شد.

تلاش اسرائیل برای ورود ایالات‌متحده به جنگ

از همان روزهای ابتدای ۷ اکتبر ۲۰۲۳ که رژیم اسرائیل وارد یک عملیات نسل‌کشی در غزه شد خواهان این بود که با گسترش درگیری به منطقه غرب آسیا، ایران را به نوعی تحریک و مجبور به مداخله در این جنگ کند. راهبرد تل‌آویو این بود که در ادامه بتواند به این بهانه ایالات‌متحده را وارد یک جنگ بزرگ دیگر در منطقه خاورمیانه کند تا در رویارویی با ایران تنها نباشد. اما ایران با اتخاذ یک سیاست عقلانی، برنامه‌های اسرائیل را برای آتش‌زدن خاورمیانه برهم زده است. از سوی دیگر ایالات‌متحده نیز بنا به دلایلی نه تمایل و نه توان مقابله مستقیم و ورود به جنگ با ایران را ندارد و این امر از اسناد و اظهارات مقام‌های آمریکایی و شرایطی که اکنون در سیاست خارجی دارند قابل فهم است. اولویت‌های سیاست خارجی آمریکا در شرایط کنونی و به‌ویژه در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۴ این کشور، در تقابل با چین و روسیه تعریف می‌شود و خواهان ورود به درگیری‌های خاورمیانه نیست. از سوی دیگر آمریکا در آستانه انتخابات ریاست‌جمهوری قرار دارد و حزب حاکم (دموکرات‌ها) به‌هیچ‌عنوان خواهان ایجاد یک هزینه سیاسی و نظامی هنگفت دیگر در کنار موضوع اوکراین نیستند. باید به این موضوع هم توجه کرد که موضوع حمایت از فلسطین و تنفر از جنایات اسرائیل در غزه اکنون در افکار عمومی و جامعه آمریکا به یک گفتمان تبدیل شده است که می‌تواند در صحنه انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا در یک ماه آینده تاثیرگذار باشد.

اهداف احتمالی ایران در پاسخ به حماقت اسرائیل

یکی از نکاتی که سران اسرائیل را در ارائه پاسخ به عملیات نظامی وعده صادق ۲ دچار تردید کرده، شیوه پاسخ تهران به هرگونه اقدام علیه منافع اقتصادی و نظامی ایران است. سران نظامی و سیاسی ایران بارها اعلام کرده‌اند که اگر اقدامی علیه منافع تهران انجام شود، ده‌ها سناریوی مختلف در پاسخگویی به تجاوزات رژیم در اختیار دارد. نکته مهمی که در هرگونه اقدام نظامی از سوی اسرائیل باید لحاظ شود این است که وسعت ایران ۷۵ برابر وسعت سرزمین‌های اشغالی است. به‌عبارت دیگر عمق استراتژیک ایران بسیار بالاتر از صهیونیست‌هاست. این موضع، برتری‌های استراتژیک مختلفی را در اختیار ایران می‌گذارد. اصولا قدرت نظامی اسرائیل مبتنی بر نیروی هوایی و انجام عملیات‌های هوایی است که در این خصوص با توجه به فاصله نزدیک به ۲۰۰۰ کیلومتری هرگونه انجام عملیات هوایی و بازگشت به پایگاه، مستلزم چندین نوبت سوخت‌گیری توسط جنگنده‌های اسرائیلی است. این موضوع در کنار سیستم دفاع هوایی نفوذ به عمق خاک ایران را برای انجام عملیات‌های هوایی به‌شدت محدود می‌کند.

نکته بعدی این است که با توجه به مسائل یادشده، اسرائیل در هر نوع اقدام احتمالی فاقد قدرت لازم برای از بین‌بردن توان هجومی ایران مبتنی بر موشک‌های بالستیک و کروز است. به‌طور حتم پس از هر اقدام احتمالی تهاجمی رژیم، سرزمین‌های اشغالی شاهد شدیدترین پاسخ ایران در عمق استراتژیک و پیکره این رژیم خواهد بود.

جمع‌بندی

در شرایط کنونی نظام بین‌الملل، هیچ‌کدام از طرفین جز اسرائیل خواهان ورود به یک جنگ فراگیر در منطقه نیست. جنگ در خاورمیانه به‌طور حتم می‌تواند بسیاری از مناسبات نظام بین‌الملل را تغییر داده و جهان را به‌سرعت به سمت نظم جدید بین‌الملل سوق دهد. کشورهای غربی به‌ویژه ایالات‌متحده بیشترین ضربه را از جنگ در غرب آسیا دریافت خواهند کرد و براساس نظم جدید امنیتی که در خاورمیانه شکل خواهد گرفت دیگر جایی برای حضور نیروهای آمریکایی و رژیم و دولت جعلی اسرائیل وجود نخواهد داشت.

گزارش

درآمدی بر تبارشناسی یهودیان آذربایجانی در اسرائیل

ارتباط وثیق بین اسرائیل و آذربایجان، ریشه‌های تاریخی دارد. تعداد پرشماری در جمهوری آذربایجان را جامعه یهودیانی تشکیل می‌دهند که دوهزارسال در این سرزمین زیسته‌اند. اکنون حدود ۱۴۰ هزار نفر از این یهودیان آذربایجانی، در اسرائیل زندگی می‌کنند.

این پرسش مطرح است که بن‌مایه تمایلات جمهوری آذربایجان به اسرائیل کجاست؟ چرا با وجود اعتقادات مذهبی و زبان مشترک با آذربایجانِ ایران، این کشور طی سه دهه اخیر به‌سمت اسرائیل متمایل شده است؟ یادداشت زیر، وجود کانون قوی یهودیان اسرائیلی-آذربایجانی را در این کشور روشن می‌کند.

یهودیان کوهستان (Mountain Jews)، یهودیان قفقاز (Caucasus Jews Kavkazi Jews)، داغلی (کوهی)، داغ‌جوودی، و جوهوری (Juhuro, Juvuro, Juhuri, Juwuri, Juhurim)، مردمی اصالتاً ایرانی‌تبار هستند که آیین یهود را پذیرفتند و در سده‌های ابتدایی میلاد مسیح به سرزمین جمهوری آذربایجان کوچیده و در آن جا سکنی گزیدند. این قوم به گویشی نزدیک به فارسی (Judeo-Tat (Juhuri) سخن می‌گویند و گاهی رسم‌الخط «فارسیهود» (رسم‌الخط یهودی برای گفتار فارسی) را در نوشتار به‌کار می‌برده‌اند. این طایفه را با قوم تات نزدیک دانسته‌اند، البته ظاهراً علی‌رغم اختلاط فرهنگی، احتمالاً این طایفه، از بنیان با تات‌ها متفاوت هستند.

طی سال‌های اخیر، بخش اعظم این جامعه به فلسطین اشغالی و همچنین آمریکا مهاجرت کرده‌اند؛ به‌طوری‌که اکنون تنها بین ۲۲ تا ۵۰ هزارنفر در آذربایجان باقی مانده‌اند و بین ۱۰ تا ۴۰ هزارنفر در آمریکا زندگی می‌کنند؛ همچنین تعداد کمی در حد چندصدنفر نیز در روسیه و اتریش و کشورهای دیگر ساکن هستند. تعداد مهاجران اسرائیلی که خودشان یا پدرانشان از کشور آذربایجان به این کشور جعلی رفته‌اند را بین ۱۰۰ تا ۱۴۰ هزارنفر می‌دانند.

در جمهوری آذربایجان سه جامعه یهودی وجود دارد: یهودیان کوهستان که عمدتاً در قیرمیزی قصبه (کراسنایا اسلوبودا) و باکو زندگی می‌کنند؛ یهودیان اشکنازی کوهستان، که عمدتاً در باکو و سومغایت ساکن هستند، و یهودیان گرجی که در مرز با گرجستان زندگی می‌کنند. سفیر سابق اسرائیل در آذربایجان، دان استاو (۲۰۱۵-۲۰۱۹) در یکی از مصاحبه‌های خود خاطرنشان کرد: «آذربایجان و اسرائیل، اهمیت جوامع یهودی را درک می‌کنند. یهودیان آذربایجان یک نمونه زنده از میهن‌پرستان اسرائیل هستند، که درعین حال عاشق وطن خود آذربایجان هستند. در کشور ما یهودیان زیادی وجود دارند که از کشورهای عربی فرار کرده‌اند. بومیان آذربایجان از این نظر که آنها از سرزمین خود فرار نکرده‌اند، فقط برای پیوستن به برادران خود به اسرائیل نقل مکان کرده‌اند. علاوه‌بر این، آذربایجان نیز برای همیشه در قلب آنها باقی است.» پیش از این‌که شوروی آذربایجان را تصرف کند، یازده کنیسه در آذربایجان وجود داشت. حکومت کمونیستی، این کنیسه‌ها را بست و آیین‌های مذهبی یهود را به تعطیلی کشاند. پس از اضمحلال شوروی، «حیدر علی‌اف» سه کنیسه را بازگرداند و کالج یهودی که توسط شوروی ملی شده بود را مجدداً به جماعت یهودی واگذار کرد. او همچنین به ترمیم ساختمان‌های ویران‌شده‌ی یهودیان آذربایجان پرداخت، چنان‌که تاکنون بازسازی حداقل هفت کنیسه از یازده کنیسه انجام شده است. لطفعلی عسکرزاده اردبیلی (مبدع نظریه فازی و مبنای هوش مصنوعی) و گری کاسپاروف (شطرنج‌باز معروف)، از تبار یهودیان آذربایجان هستند.

بافتار اجتماعی قوی و ریشه‌دار جامعه یهودی در جمهوری آذربایجان، موجب شده اسرائیل و جمهوری آذربایجان حتی پیش از استقلال سیاسی این کشور از شوروی، ارتباطی وثیق و عمیق داشته باشند. پس از فروپاشی شوروی، اسرائیل جزو اولین‌ها بود که این کشور را به رسمیت شناخت و در کمترین زمان سفارت خود در باکو را افتتاح کرد. بنیامین نتانیاهو در گرامیداشت ربع قرن روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و آذربایجان در آوریل ۲۰۱۷، در نامه‌ای به الهام علی‌اف نوشت: «اسرائیل مفتخر است که یکی از اولین کشورهایی بود که جمهوری آذربایجان را به‌رسمیت شناخت. ربع قرن پس از آن، کشورهای ما روابط مستحکمی براساس دوستی واقعی بین مردم یهودی و آذربایجانی ایجاد کرده‌اند. آذربایجان الگویی از هماهنگی بینامذهبی و چندفرهنگی در منطقه‌ای پر از رقابت‌های مذهبی و قومی است. اسرائیل نیز مانند شما چراغ راه ثبات و مدارا در منطقه‌ای بی‌ثبات است. علی‌رغم چالش‌هایی که با آن روبه‌رو هستیم، هر دو در ایجاد اقتصادهای پر رونق و جوامعی پویا، مرفه و صلح‌طلب موفق بوده‌ایم.»

به‌نوشته‌ی نیویورک‌تایمز همکاری‌های نظامی و امنیتی جدی به‌خصوص علیه ایران، بین باکو و تل‌آویو برقرار است. حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور وقت آذربایجان، در ملاقات اکتبر ۲۰۰۱ با ایتان ناه، سفیر وقت اسرائیل، اعلام کرد که دو کشور مواضع یکسانی در مبارزه با تروریسم بین‌المللی دارند. همچنین مؤسسه تحقیقات استکهلم اعلام کرد حدود ۷۰ درصد از واردات تسلیحات آذربایجان، بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ از مبدأ رژیم صهیونیستی بوده است. بالاتر از این، برخی کمپانی‌های اسرائیلی ساخت جنگ‌افزار، در آذربایجان کارخانه احداث کرده‌اند، یا حضور فعال دارند. ازجمله می‌توان به کمپانی‌های صنایع جنگ‌افزاری روناتیکس، صنایع هوافضای دولتی اسرائیل، شرکت ساخت پهپاد البیت‌سیستمز و کمپانی متئورآئرواسپیس اشاره کرد.

ارتباطات وثیق و خاص اقتصادی بین جمهوری آذربایجان و کشور جعلی اسرائیل نیز مثال‌زدنی است. تقریباً نیمی از نفت خام اسرائیل، از آذربایجان تامین می‌شود. شهروندانِ تنها کشورهایی که در جمهوری آذربایجان، نیاز به روادید ندارند، اهالی ترکیه و اتباع رژیم صهیونیستی هستند. الهام علی‌اف رابطه آذربایجان با رژیم صهیونیستی را به کوه یخ تشبیه کرده و گفته «نُه دهم آن زیر سطح است و دیده نمی‌شود.» بنیامین نتانیاهو در سال ۲۰۰۹ و شیمون پرز در سال ۲۰۱۶ در مقام نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور رژیم صهیونیستی برای توسعه روابط به آذربایجان سفرهایی داشته‌اند. دو نمونه‌ی خاص اقتصادی، کمپانی‌های بیزک و بک‌سل (با سهامداری و مشارکت GTIB اسرائیل) هستند که از ۱۹۹۴ سهم بزرگی از مخابرات و صنعت ارتباطات همراه آذربایجان را تحت سیطره دارند، و از این طریق بسیاری از مؤلفه‌های کلیدی و مهم امنیتی جمهوری آذربایجان به‌سهولت در دست اسرائیلی‌ها قرار گرفته است.

عکسی از کتاب موسی‌نامه، سروده شاهین شیرازی که به رسم «فارسیهود» نوشته شده است.

کنیسه شش گنبد در شهرستان قیرمیزی قصبه

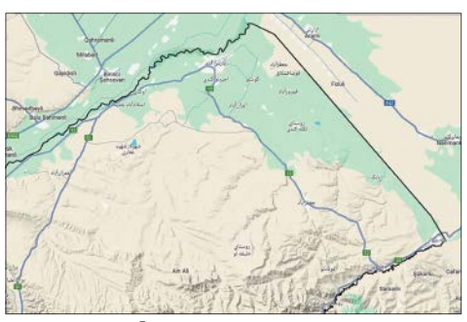

نقشه منطقه مغان ایران و جمهوری آذربایجان

مکث

جمع‌بندی

فعالیت جدی اسرائیل در شمال ارس، این نکته را به ما یادآوری می‌کند که ضعیف‌شدن مرز، و منطقه‌ی مغان از حیث اقتصادی، و متعاقب آن، ایجاد نارضایتی و ضعف و شورش‌های سیاسی‌اجتماعی در دشت مغان ایران، بدون تردید هدفی فنی و مطلوب برای اسرائیل خواهد بود. خصوصاً که با در دست‌داشتنِ مطالعات جامع این منطقه از پیش از انقلاب اسلامی، امکان رصد دقیق و ایجاد آرایش مؤثر در منطقه برای صهیونیست‌ها میسر است. بد نیست مسئولان امر تحولات عجیب اقتصادی در این منطقه را که گنج بی‌پایان کشت‌وصنعت را با کمال تعجب و حیرت، به مجموعه‌ای زیان‌ده بدل کرده در این پارادایم پیگیری و بررسی کنند.